

# بررسی توان رقابتی صنایع نساجی استان یزد

زین العابدین صادقی

استادیار بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان  
[abed\\_sadeghi@yahoo.com](mailto:abed_sadeghi@yahoo.com)

حمیدرضا حری

استادیار بخش علوم اقتصادی دانشگاه شهید باهنر کرمان  
[horryhr@yahoo.com](mailto:horryhr@yahoo.com)

احسان ادیبزاده

کارشناس ارشد علوم اقتصادی  
[isatisadib@yahoo.com](mailto:isatisadib@yahoo.com)

زمانی این مطالعه سال 1386 تا 1387 است و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه توان رقابتی بین‌المللی صنایع نساجی استان یزد کمتر از توان رقابتی داخلی آن است. بر اساس نتایج این تحقیق کارخانه‌هایی که بر اساس موجودی سرمایه خود از تمام ظرفیت‌های خود استفاده نکرده‌اند، دارای توان رقابتی پایینی هستند و هنگامی قیمت‌های انرژی بر اساس قیمت‌های بین‌المللی تعدیل می‌شود، بیشتر کارخانه‌ها که فناوری قدیمی‌تری دارند، توان رقابتی خود را از دست می‌دهند.

## مقدمه

صنعت نساجی ایران که یکی از قدیمی‌ترین صنایع کشور است و پس از صنعت خودروسازی، دومین صنعت بزرگ کشور به شمار می‌آید و بیش از 270 هزار نفر به طور مستقیم در این صنعت فعالیت دارند و حدود 2/5 میلیون نفر به طور غیرمستقیم

مزیت رقابتی / توان رقابتی هزینه‌ای / مزیت نسبی

## چکیده

مطالعه نظریات صاحب نظران و پژوهشگران مختلف نشان می‌دهد که از رقابت‌پذیری تعریف و تعبیر واحدی وجود ندارد. اما به طور کلی می‌توان رقابت‌پذیری را قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی دانست که یک کسب و کار، صنعت، منطقه یا کشور دارا هستند و می‌توانند آن‌ها را حفظ کنند تا در عرصه رقابت بین‌المللی نرخ بازگشت بالایی را در عوامل تولید ایجاد کرده و نیروی انسانی خود را در وضعیت نسبتاً بالایی قرار دهند. به عبارت دیگر، رقابت‌پذیری توانایی افزایش سهم بازار، سوددهی، رشد ارزش افزوده و ماندن در صحنه رقابت عادلانه و بین‌المللی برای یک دوره طولانی است.

روش تحقیق این مطالعه از نوع توصیفی است. جامعه آماری کارخانجات و کارگاه‌های بزرگ نساجی استان یزد هستند. قلمرو

گذشته، درخشان نباشد. هدف اصلی این مطالعه اندازه‌گیری توان رقابتی صنایع نساجی استان یزد است. این مقاله از قسمت‌های زیر تشکیل شده‌است. ابتدا ادبیات موضوع مطرح می‌شود و سپس سیر تکامل معیار توان رقابتی، روش تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌ها و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود.

## 1. ادبیات موضوع

از لحاظ تاریخی روش مزیت رقابتی وابسته به مدل تجارت ریکاردو است. در ادبیات اقتصادی و تجاری برای رقابت‌پذیری معنای متعددی ارائه شده است. رقابت‌پذیری برخلاف مزیت نسبی در اصطلاح اقتصادی به شکل کامل تعریف نمی‌گردد. برخی از نویسندگان رقابت‌پذیری را مشابه مزیت نسبی تعریف می‌کنند. برخی دیگر آن را به عنوان مشخصه اقتصاد جهانی در نظر می‌گیرند. برای مزیت رقابتی هم تعابیر اقتصادکلان و اقتصادخرد وجود دارد. اما روش اقتصادخرد و شاخص‌های رقابتی پایه‌های نظری محکم‌تری دارند. چرا که آن‌ها بر مشخصه‌های مهم و اساسی تولیدکننده در رقابت برای سهم بازار و سود و یا توان صادراتی تأکید دارند. اندازه‌گیری این توانایی با اندازه سهم بازار یا افزایش سهم بازار (ماندنج، 1991) از طریق عملکرد صادرات (بالاسا، 1965)، نسبت قیمت (دراند و گیرنو، 1987) رقابت‌پذیری هزینه‌ای (تونر گلاپ، 1997 و سیکل کاک برن، 1995) و یا از طریق شاخص‌های چند بعدی و پیچیده‌تر (پورت، 1990 و بالکی و همکارانش، 1992 و اورال، 1993) صورت می‌گیرد.

این شاخص‌ها از لحاظ ویژگی به خصوص ابعاد و جنبه‌هایی که بر آن تأکید دارند، از هم متفاوت می‌باشند. جنبه‌های در نظر گرفته شده در اندازه‌گیری رقابت‌پذیری بازتابی از پیچیدگی‌های مفهوم آن است و از جهت دیگر منشأ ایجاد تضادها است. در یکی از سیمنا‌های اخیر در مورد بهره‌وری بین‌المللی و رقابت‌پذیری، هیکمن به این نتیجه رسید که حتی در میان حاضران در سیمنا این مفهوم ابعاد گوناگونی دارد. او به رقابت‌پذیری قیمتی به عنوان روشی فراگیر و کلی اشاره کرد. اما بر معیار هزینه‌ای واحد نیروی کار تمرکز بیشتری داشت. از آنجا که هزینه واحد نیروی کار برابر با مقدار نرخ دستمزد هر واحد

از این راه امرار معاش می‌کنند. استان یزد از نظر تعداد واحد در کشور در جایگاه هشتم و از نظر اشتغال در رتبه سوم قرار دارد و بیش از 79 نوع محصول توسط واحدهای نساجی استان یزد تولید می‌شود. صنایع نساجی اصولاً به دلایل کهنگی فناوری تولید در صنعت نساجی و عدم سرمایه‌گذاری‌های لازم این صنعت دچار مشکلات عدیده‌ای شده است. اما این مشکلات در صنایع نساجی استان‌های مختلف دارای شدت و ضعف متفاوتی است.

قوانین مزیت نسبی یکی از مهم‌ترین و با سابقه‌ترین روش‌ها در اقتصاد است، با این حال تناقضاتی در معانی، حوزه‌ها و معیارهای مزیت نسبی وجود دارد. روش مزیت رقابتی و نسبی روش‌های پیچیده‌ای می‌باشند که تفاسیر و تعابیر مختلفی را در بردارد. مشکلات موجود در شاخص‌های سنتی مزیت نسبی باعث شد در سال‌های اخیر اقتصاددانان زیادی برای حل این مشکلات به دنبال راه‌حلی باشند. یکی از این راه‌حل‌ها شاخص توان رقابتی است. توان رقابتی به وسیله شاخص هزینه واحد کامل محاسبه می‌شود. این شاخص در سال 1995 توسط سیگل و کوکیورن [1] ارائه شده است. این شاخص، روشی تحلیلی است که هر دو روش مزیت آشکار شده و شاخص هزینه منابع داخلی را کامل نموده و آن‌ها را به یکدیگر مربوط می‌سازد.

رقابت‌مندی بنگاه‌ها در هزینه، در سطح بین کشوری، خود را در قالب قیمت‌های نسبی نمایان می‌کند، اما رقابت‌مندی واقعی خود را در قالب توانایی بنگاه‌ها در عملکرد بین مرزهای مختلف جغرافیایی و رقابت‌مندی نوآوری خود را در قالب کسب شرایط مطلوب در بازارهای توسعه یافته جدید نشان می‌دهد. بنابراین افزایش توان رقابت‌مندی خود را در یک اقتصاد برون‌نگر با تکیه بر افزایش رفاه شهروندان، افزایش بهره‌وری، نوآوری و پایداری رشد اقتصادی نشان می‌دهد. صنعت نساجی جزء اولین صنایع ورودی به ایران است و در ورود فرهنگ صنعتی به ایران نقش ارزنده‌ای را ایفا نموده است. استان یزد نیز به عنوان یکی از قطب‌های صنعت ایران مطرح می‌باشد؛ اما مشکلات موجود در این صنعت باعث شده است که این صنعت در حال حاضر همانند

محصول، بهره‌وری و نرخ ارز است، این بحث به وجود می‌آید که آیا این موضوع باعث به وجود آمدن یک شاخص چند بعدی می‌گردد و به عنوان روشی تک بعدی تقسیم می‌شود. زیرا بر اهمیت هزینه واقعی نیروی کار تأکید دارد. تونر و گلوب (1997) و گلوب (2000) چنین شاخصی را برای اندازه‌گیری رقابت در سطح صنعت پیشنهاد داده و مورد استفاده قرار دادند. (سیگل، 2007)

یکی از نمونه‌های شاخص دو بعدی شاخصی است که هانتسپولاس، کروگمن و سامرز (1990) [2] پیشنهاد دادند که در آن چنین فرض مسلمی وجود دارد که رقابت‌پذیری اقتصادی، از طریق تراز تجاری، استانداردهای زندگی و درآمد واقعی را افزایش می‌دهد. مارکسن (1992) نیز مفهوم مشابهی را ارائه داد که هیئت دولت آمریکا آن را برای رقابت‌پذیری به کار گرفت.

شاخص‌های چند بعدی در ادبیات اقتصاد و بازرگانی بسیار معمول هستند. یکی از مشهورترین شاخص‌های اقتصادگرد که بیش از یک بعد را اندازه می‌گیرد، شاخص پورتر (1990) است. اما باکلی (1992) و اورال (1993) تلاش‌های زیادی برای دستیابی به بیش از یک جنبه‌ی این شاخص‌ها پرداختند. با توجه به نظر پورتر چهار جنبه مهم در مورد رقابت‌پذیری کارآفرین‌ها یا سرمایه‌گذاران وجود دارد: استراتژی‌هایشان، ساختار و رقابت، شرایط تقاضایی که بنگاه با آن مواجه است و شرایط عرضه نهاده‌ها و شرایطی که صنعت با آن مواجه است. در حقیقت عوامل مختلفی وجود دارند که رقابت‌پذیری تولیدکنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما پورتر از طریق دسته‌بندی آن‌ها تحت این چهار گروه برای آن مدل‌سازی می‌کند. این بخش‌ها به عنوان ابعادی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان رقابت‌پذیری را از طریق آن اندازه‌گیری کرد. شاخص پورتر توجه‌های زیادی را در مجامع تجاری و سیاسی به خود جلب کرد که شاید دلیل آن ماهیت جامع آن باشد (سیگل، 2007).

کلباسی و گریوانی برای محاسبه توان رقابتی هزینه‌ای برای شرکت فولاد مبارکه در الحاق ایران به WTO در سال 1382 به بررسی توان رقابتی مجتمع فولاد مبارکه در سه سناریوی قیمت

داخلی، قیمت‌های صادراتی و قیمت‌های سایه‌ای پرداختند. شاخص توان رقابت داخلی مجتمع فولاد مبارکه در سال مورد بررسی 0/84 است که نشان‌دهنده وجود توان رقابت هزینه‌ای مجتمع فولاد مبارکه در شرایط قبل از الحاق ایران به WTO است. شاخص توان رقابت صادراتی مجتمع در سال مورد بررسی 1/003 می‌باشد که نشان می‌دهد که اولاً توان رقابت صادراتی تولیدات مجتمع فولاد مبارکه در نقطه سر به سر است، ثانیاً بزرگتر بودن این عدد از مقدار شاخص توان رقابت هزینه‌ای داخلی نشان می‌دهد که محصولات فولادی کشور از حمایت تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برخوردار می‌باشند. شاخص مزیت نسبی در سال مورد بررسی 1/39 است که نشان‌دهنده عدم توان رقابت هزینه‌ای مجتمع فولاد مبارکه بعد از الحاق ایران به WTO می‌باشد.

در مطالعه دیگر، نجارزاده و رضا قلی زاده در سال 1378 به بررسی توان رقابت هزینه‌ای صنعت فرش دستباف در صورت پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی با استفاده از ماتریس تحلیل سیاست پرداختند. بر اساس نتایج این مطالعه فرش دستباف با شرایط فعلی در بازار جهانی دارای توان رقابت هزینه‌ای است. راسخی و ذبیحی در سال 1378 در مطالعه‌ای با عنوان مزیت رقابتی در صنعت پتروشیمی ایران طی دوره زمانی 1385-1381 به بررسی صنعت پتروشیمی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه شاخص پلان تجاری، هیچ کدام از گروه کالاهای پتروشیمی در کل دوره زمانی مورد بررسی قادر به کسب یا حفظ موقعیت رقابتی نشده‌اند. مزیت رقابتی گروه محصولات پتروشیمی طی دوره مورد بررسی دارای روند مشخص و پایدار نیست.

نجارزاده و عبدالهی حقی در سال 1386 در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر انحرافات قیمتی بر توان رقابتی مجتمع پتروشیمی تبریز توان رقابتی و مزیت نسبی صنعت پتروشیمی با تأکید بر مجتمع پتروشیمی تبریز را مورد بررسی قرار دادند. این بررسی بر اساس شاخص هزینه واحد انجام گرفته، که از طریق نسبت هزینه به درآمد و بر اساس قیمت‌های مختلف به دست آمد. بر اساس بررسی‌های انجام شده در این مقاله، نتایج زیر به دست آمده است:

1- بدون احتساب هزینه فرصت سرمایه، مجتمع پتروشیمی تبریز توان رقابت در بازارهای داخلی و خارجی را دارد. لیکن با احتساب هزینه فرصت سرمایه، این مجتمع در بازارهای داخلی و خارجی توان رقابت ندارد.

2- در هر دو حالت احتساب هزینه فرصت سرمایه و عدم احتساب آن، مجتمع پتروشیمی تبریز مزیت نسبی ندارد و انتظار می رود با الحاق ایران به WTO، این مجتمع توان رقابت با رقبای را نداشته باشد.

3- بررسی انحرافات قیمتی نشان می دهد که انحرافات قیمتی نهادهای قابل مبادله، بیشترین اثر را بر روی توان رقابتی این مجتمع دارند. اعطای یارانه به این نهادهای، توان رقابتی مجتمع فوق را به میزان 35 درصد افزایش داده است.

کاریکاری [3] در سال 2001 در مقاله‌ای با عنوان رقابت پذیری بین المللی و قیمت گذاری صنعتی در کارخانه‌های کانادا به بررسی رقابت پذیری صنایع کانادا در دو سناریوی فرضیه قیمت گذاری استمن - استیکولت [4] و فرضیه قیمت گذاری انحصاری پرداخته است. بر اساس نتایج این مطالعه قیمت گذاری بر رقابت پذیری موثر است و در دو سناریوی قیمت گذاری به کاررفته در مدل هریس منافع ناشی از تجارت آزاد بسیار قابل توجه است.

چو، سونگ و شین [5] در سال 2008 در مطالعه‌ای به بررسی رابطه میان نوآوری کارخانه‌ها، رقابت پذیری و عملکرد تجاری در بین کارخانه‌های صنعتی کره پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه عوامل موثر بر رقابت پذیری عبارتند از کیفیت، هزینه، بهروری نیروی کار، توانایی بازار رقبای خارجی و مدیریت مشتری و در ضمن نوآوری در رقابت پذیری بنگاه می تواند موثر باشد. معرفی نوآوری در صنایع قارچ، ماشینی، اتومبیل و الکترونیک غیرضروری است. اما هیچ زمینه‌ای برای ارائه مستقیم نوآوری کارخانه‌ها به بنگاه‌های کارخانه‌ای در کره وجود ندارد.

سیگل [6] در سال 2007 در مقاله‌ای با عنوان «رقابت پذیری بین المللی و مزیت نسبی: مرور و ارائه روش اندازه گیری رقابت پذیری» پرداخته است. او در این مقاله با مرور تاریخی نظریه‌های مزیت نسبی و انواع پویا و ایستای آن به کاربردهای

شاخص توان رقابتی از منظر گذشته و آینده پرداخت. بر اساس نتایج این مطالعه معیار توان رقابتی به عنوان معیاری برای تعیین کیفیت منابع مختلف رقابت پذیری به کار برده می شود و نشان می دهد چگونه می توان از آن به عنوان راهنمایی برای سیاست گذاران در ارزیابی سیاست های صنعتی و تجاری به کار برده شود و می توان از طریق به کار گرفتن قیمت های سایه ای انحراف تخصیص منابع را شناسایی نمود. جنبه های دیگر این موضوع با توجه به مطالعات کاربردی دیگر و با استفاده از روش های تحلیلی به کار گرفته شده در متن اصلاحات سیاستی تخصیصی در هند، مالی، کنیا و اوگاندا شرح داده شده است.

کمپی و مارشال [7] در سال 1998 در مقاله‌ای با عنوان اثرات ناحیه‌ای و رقابت پذیری کارخانه در سیستم تولیدی محلی به بررسی رقابت پذیری در اسپانیا پرداختند. در این مطالعه شیوه رقابت پذیری کارخانه‌های صنعتی در اسپانیا تحلیل کمی می شود. در این روش متغیرهای منطقه‌ای و جغرافیایی در نظر گرفته شده است و در تلاش برای به وجود آوردن رابطه‌ای بین کاربری تجاری و تخصص منطقه‌ای در سیستم تولید محلی می باشد که به عنوان توان صادرات اندازه گیری شده است. اکثر این متغیرها از مجموعه اطلاعات مالی سال 1991 به دست آمده و واحدهای منطقه‌ای در این تحلیل 332 منطقه شهری با جمعیت بالای 1500 نفر است. در این مطالعه از مدل های اقتصادسنجی بهره گرفته شده است. با توجه به نتایج مدل اقتصادی می توان چنین استنباط نمود که تمرکز جغرافیایی کارخانه‌ها در فعالیت های مشابه به شکل مثبتی بر رقابت پذیری بنگاه‌ها تاثیر گذار است.

#### 1-1. سیر تکامل معیار توان رقابتی

در بحث های اخیر تجارت، در سنجش مزیت نسبی نظریه های متناقض وجود دارد؛ که معمول ترین روش مزیت نسبی آشکار شده می باشد (بالاسا 1965). شاخص بالاسا به شکل واقعی، مزیت نسبی را اندازه گیری نمی کند. در عوض معیاری برای سنجش مزیت نسبی وجود دارد که منعکس کننده عملکرد صادراتی است. در این معیار اثر عوامل واقعی یا انحرافات قیمت و یارانه‌ها نیز در نظر گرفته شده است. این معیار هزینه منابع

داخلی [8] (DRC) است که اولین بار برنو [9] (1965) آن را ارائه داد و بالاسا و اسکیولاسکی [10] (1968) برنو (1972) کروگر [11] (1972) و سین و اسن و باگواتی [12] (1978) آن را مورد تجدیدنظر قرار داده‌اند و از سوی بسیاری دیگر مورد استفاده قرار گرفته است (سیگل، 2007).

اولین بار تعمیم مدل مزیت نسبی ریکاردو توسط دورنبوش، فیشر و ساموئلسون در سال 1977 صورت گرفت. بر اساس مقاله‌ی فیشر و ساموئلسون در صورتی مزیت نسبی در صنعت کشوری موجود است که هزینه نیروی کار آن کشور در صنعت مشابه از کشور خارجی پایین‌تر باشد.

$$aw < a^* w^* \quad (1)$$

که در اینجا  $a$  و  $a^*$  ضریب واحد نیروی کار داخلی و خارجی و  $w$  و  $w^*$  دستمزد تعادلی داخلی و خارجی می‌باشد. لازم به ذکر است این شرایط یکی از شرایط مزیت مطلق است. با این تفاوت که در مزیت مطلق دستمزد در سطح تعادلی نیست. شرایط مشابه را می‌توان به شکل زیر نوشت.

$$\frac{w}{w^*} < \frac{a^*}{a} \quad (2)$$

و به این معنا است که دستمزد نسبی تعادلی باید کمتر از بهره‌وری نیروی کار کشور داخلی نسبت به کشور خارجی باشد. این مقایسه بین دستمزد نسبی و بهره‌وری نسبی را می‌توان برای تولید  $n$  کالا نیز به کار برد. این مهم تنها با رتبه‌بندی تمام صنایع با توجه به بهره‌وری نسبی‌شان از طریق استفاده از دستمزد نسبی به عنوان خط تمایز بین مزیت و عدم مزیت نسبی صورت می‌گیرد (سیگل، 2007).

$$\frac{a_i}{a_i^*} > \frac{w}{w^*} > \frac{a_j}{a_j^*} \quad (3)$$

که در اینجا « $i$ » تمامی تولیدات با مزیت نسبی و « $j$ » تولیدات با عدم مزیت نسبی را نشان می‌دهد.

دومین مرحله از تعمیم مربوط به گسترش سایر عوامل تولید می‌باشد. اگر مقایسه ساده هزینه نیروی کار برای مزیت نسبی کافی باشد، در حالتی که تنها یک نهاد وجود دارد، سپس مقایسه‌ای مشابه برای هزینه‌های سایر عوامل نیز درست است.

معیار DRC از طریق مقایسه هزینه نیروی کار و سرمایه بر اساس قیمت‌های سایه‌ای با هزینه‌های مربوط به رقیبان خارجی ساخته می‌شود.

$$aws + krs < a^* w s^* + k^* r s^* \quad (4)$$

که در اینجا  $k$  و  $k^*$  ضریب سرمایه و  $rs$  و  $rs^*$  نرخ‌های بهره سایه‌ای داخلی و خارجی و  $WS$  و  $WS^*$  نرخ‌های دستمزد سایه‌ای داخلی و خارجی است.

در حقیقت معیار DRC با جایگزینی هزینه عوامل خارجی با ارزش افزوده داخلی در قیمت‌های تجارت آزاد به دست می‌آید. ایده جانشینی به این شکل است که در صورتی که فردی بخواهد مزیت نسبی را برای کشوری خاص بسنجد، در این حالت رقیب خارجی نشان دهنده مابقی کشورها است و در شرایط تجارت رقابتی هزینه‌های تولید کالا در آن کشور با قیمت‌های تجارت آزاد واردات قابل مقایسه خواهد بود. در نتیجه معیار DRC مزیت نسبی به شکل زیر خواهد بود (سیگل، 2007).

$$aws + krs / VAw < 1 \quad (5)$$

که در اینجا  $VAw$  میزان ارزش افزوده تجارت آزاد که فرض می‌شود برابر با ارزش سایه‌ای است. گرچه DRC معیاری قابل قبول در مزیت نسبی است، اما از دو جنبه دارای معایبی می‌باشد. اول نهاده‌های واسطه‌ای قابل تجارت و غیرقابل تجارت، ممکن است در مزیت نسبی مشارکت داشته باشند و در نتیجه شاخص هزینه کل باید بزرگتر ارزش افزوده باشد. همیشه نهاده‌های تجارتي (قابل تجارت) در قیمت‌های بین‌المللی در دسترس بوده و نباید منبعی برای مزیت نسبی باشد.

گرچه فراوانی منبع داخلی و هزینه‌های حمل و نقل ممکن است برای قیمت‌های وارداتی نهاده‌های قابل تجارت که نسبت به قیمت‌های داخلی بیشتر هستند، معتبر باشند. بنابراین این اختلاف قیمت به عنوان منبعی برای مزیت نسبی بالقوه محسوب می‌شود. این امر در مورد نهاده‌های غیرقابل تجارت مشخص‌تر است. نکته قابل ذکر این است که نهاده‌های واسطه‌ای می‌توانند از طریق تقسیم آن به سرمایه و نیروی کار از طریق جداول داده و ستانده در شاخص DRC مشارکت نمایند.

$$UC = \frac{Tc}{Vo} = \frac{Tc}{P.Q} \leq 1 \quad (8)$$

که در این فرمول: [16] UC = هزینه واحد، [17] Tc = هزینه کل و [18] Vo = ارزش محصول که می‌تواند در دو سناریوی قیمت‌های درب کارخانه (Pd) یا در قیمت‌های جهانی (Pw) ارزیابی شوند.

در اقتصاد خرد هزینه واحد به عنوان هزینه کل، تقسیم بر تعداد محصول تعریف می‌شود. و به این ترتیب هزینه واحد فیزیکی کالا به دست می‌آید. اما زمانی می‌توان از این شکل هزینه واحد استفاده کرد که محصولات دو رقیب کاملاً همگن باشند، که این مورد در جهان واقع با توجه به ترکیبات محصول، کیفیت متفاوت و همچنین، خدمات پس از فروش متفاوت، به ندرت یافت می‌شود. به همین دلیل، به جای تقسیم هزینه کل تولید (TC) به تعداد محصول (Q)، به ارزش محصول (VO) یعنی P.Q تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر مقایسه و تخمین کیفیت خدمات پس از فروش، ترکیب تولید و غیره به مصرف‌کننده واگذار می‌شود و اوست که با میزان خرید خود در قیمت‌های مختلف این کیفیت را تخمین می‌زند. بنابراین، فرض می‌شود که مرغوبیت کالا و خدمات پس از فروش در قیمت کالاها مستتر و قیمت کالاها با کیفیت آنها متناسب است. به این ترتیب، وقتی که دو بنگاه دارای هزینه کل برابر هستند، ولی یکی محصولش را با کیفیت بالا تولید کرده و با قیمت بالاتر از دیگری می‌فروشد ارزش محصولش بیشتر شده و نسبت هزینه واحدش کاهش می‌یابد. با این معنی که این بنگاه نسبت به بنگاه دیگر دارای توان رقابتی بیشتری است. پس به طور کلی تعریف شاخص بالا به عنوان هزینه کل به ارزش محصول موجب می‌شود که اولاً مشکل کیفیت و ترکیب متفاوت محصول از بین رفته و ثانیاً داده‌های تحقیق به سایر رقبا بستگی نداشته باشد. اجزای تشکیل دهنده هزینه کل عبارتند از: ارزش نهاده‌های قابل تجارت (VI<sub>t</sub>)، ارزش نهاده‌های غیرقابل تجارت (VN<sub>t</sub>)، هزینه نیروی کار ماهر (LC<sub>s</sub>)، هزینه نیروی کار غیرماهر (LC<sub>n</sub>)، هزینه سرمایه تحت تملک شرکت (KC<sub>o</sub>)، هزینه سرمایه اجاره شده (KC<sub>b</sub>) و هزینه استهلاک (D)

دوم، حمایت باعث استفاده ناکارای منابع می‌شود که شامل نهاده‌های واسطه‌ای نیز می‌باشد. پس ارزش افزوده باید از طریق حذف تمامی انحرافات قیمتی؛ که به صورت موثری انحراف ایجاد کرده‌اند، محاسبه گردد. بنابراین DRC پیغامی از تورش در محاسبه مزیت نسبی را ارائه می‌دهد. یک معیار بدون تورش مزیت نسبی مقایسه هزینه کل داخلی بر حسب قیمت‌های سایه‌ای با قیمت سایه‌ای محصول تولیدی است. برای قیمت سایه‌ای محصول تولیدی معمولاً از قیمت تجارت آزاد واردات استفاده می‌شود. اگر نرخ‌های ارز انحراف داشته باشند لازم است، نرخ ارز نیز تعدیل شود. معیار به دست آمده از مزیت نسبی، کل هزینه‌های داخلی برای هر واحد محصول (در قیمت سایه‌ای TC<sub>s</sub>) است که این هزینه‌ها باید از قیمت‌های سایه‌ای کوچکتر باشد.

$$TC_s / P_s < 1 \quad (6)$$

که در اینجا P<sub>s</sub> قیمت بین‌المللی یا تجارت آزاد است که برای انحراف نرخ ارز نسبی تصحیح شده است. از تقسیم هزینه‌های کل از طریق قیمت سایه‌ای یا ارزش سایه‌ای محصول (VO<sub>s</sub>)، با در نظر گرفتن محصولات غیرهمگن، نسبت هزینه واحد در قیمت‌های سایه‌ای به دست می‌آید (UC<sub>s</sub>). معیار مزیت نسبی به شکل زیر نوشته می‌شود (سیگل، 2007).

$$UC_s = \frac{TC_s}{VO_s} < 1 \quad (7)$$

## 2. نحوه محاسبه معیار هزینه واحد

چون این تحقیق توان رقابتی را در سطح خرد مورد مطالعه قرار می‌دهد، برای محاسبه رقابت‌پذیری از شاخص هزینه واحد کامل [13] استفاده شده است. شاخص هزینه واحد کامل در سال 1995 توسط سیگل و کوبورن [14] ارائه شده است. این معیار یک معیار رقابت‌پذیری ایستا، تعیین شده، مثبت و به اعتبار آینده [15] است. شاخص نسبت هزینه واحد از مزیت نسبی ریکاردو مشتق شده است. برای محاسبه شاخص توان رقابتی از فرمول زیر استفاده می‌شود:

جمع‌آوری شده است. قیمت محصولات مورد نظر از طریق نرم‌افزار PCTAS به دست آمده است. همچنین آمار نرخ ارز بر اساس متوسط قیمت نرخ ارز بر اساس دوره زمانی مورد نظر از سایت بانک مرکزی ایران استخراج شده است. از طرفی چون اکثر حامل‌های انرژی قابل صدور هستند (حتی گاز طبیعی و برق) لذا از قیمت جهانی این مواد به عنوان قیمت سایه‌ای استفاده شده و اطلاعات مورد استفاده از سایت [www.eia.doe](http://www.eia.doe) استخراج گردیده است. ماشین آلات، تجهیزات، ساختمان‌ها و مانند آن سرمایه کارخانه محسوب شده و به عنوان اقلام غیرمبادله‌ای در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین علاوه بر ارزش سرمایه، هزینه استهلاک آن‌ها به عنوان هزینه استفاده از سرمایه در نظر گرفته شده است. در این مطالعه نرخ استهلاک 10 درصد و نرخ بهره 12 درصد در نظر گرفته شده است.

#### 4. تجزیه و تحلیل داده‌ها

سال	1386	1386	1387	1387
سناریو	UC بین‌المللی	UC داخلی	UC بین‌المللی	UC داخلی
زرین یزد	1/2342	0/3124	0/7498	0/1863
زرین باف یزد	66/2525	0/7842	92/7531	1/0988
مهر باف یزد	15/1093	0/2534	19/2216	0/2624
سهیل تاب یزد	0/2223	0/0099	0/2284	0/0105
محمیا باف یزد	21/9685	0/2521	29/1046	0/3366
بافت محبوب یزد	0/2292	0/0113	0/2827	0/0140
کمال یزد	0/1634	0/0078	0/1568	0/0074
پتوی شمیم	20/6065	0/9695	20/6327	0/9779
وکیل یزد	0/1293	0/0058	0/1293	0/0058
بافت یاس	0/8660	0/0684	0/2637	0/0203
اهر یزد	0/1045	0/0082	0/1158	0/0092
بافت نمای یزد	0/5659	0/1017	0/4992	0/0815
پتوی نمدهی منصور	0/6574	0/0316	0/6448	0/0297
ریسندگی پاک سرشت	1/2884	1/1974	0/8367	0/7775
ترمه بافی قانعان	4/4540	0/1082	5/1532	0/1324
امیر یزد	7/1865	0/4073	7/1993	0/4110
نیکزاد	0/1904	0/0003	0/2140	0/0003

منبع: محاسبات تحقیق

$$TC = VI_i + VI_n + LC_u + LC_s + KC_b + KC_o + D \quad (9)$$

حال می‌توان با استفاده از قیمت‌های سایه‌ای، انحرافات قیمتی را جدا کرد. با ترکیب معادلات 8 و 9 و معرفی قیمت‌ها توان رقابت داخلی به صورت زیر بیان می‌شود [19]:

$$UC_i = \frac{1}{\sum Q_i P_{di}} (\sum_j A_j P_{dj} + \sum_i A_i P_n + W_u L_u + W_s L_s + K_b P_k r_b + K_o P_k r_o + d K P_k) \quad (10)$$

که در رابطه بالا  $i$  = نوع محصول،  $A_j$  = مقدار نهاده‌های قابل تجارت،  $P_j$  = قیمت نهاده‌های قابل تجارت  $A_n$  = مقادیر نهاده‌های غیرقابل تجارت،  $P_n$  = قیمت نهاده‌های غیرقابل تجارت،  $W_u$  = متوسط نرخ‌های دستمزد کارگران غیرماهر،  $W_s$  = متوسط نرخ‌های دستمزد کارگران ماهر،  $L_u$  = مقادیر نیروی انسانی غیرماهر،  $L_s$  = مقادیر نیروی انسانی ماهر،  $r_b$  = نرخ بهره‌ای که عملاً برای سرمایه اجاره شده پرداخت می‌شود،  $r_o$  = هزینه فرصتی سرمایه متعلق به شرکت  $d$  = نرخ استهلاک،  $P_k$  = قیمت کالاهای سرمایه‌ای،  $K_b$  = مقدار کالای سرمایه‌ای اجاره‌ای و  $K_o$  = مقدار کالای سرمایه تحت تملک شرکت می‌باشد (کلباسی و گریوانی، 1382).

#### 3. روش تحقیق

روش تحقیق این مطالعه بر اساس روش توصیفی است. دوره بررسی در تحقیق حاضر 1386-1387 می‌باشد. قلمرو مکانی این تحقیق محدود به کارخانجات و کارگاه‌های بزرگ استان یزد بوده و شامل 17 کارخانه است. اسامی محصولات تحت بررسی عبارتند از:

الف) پارچه سیستم پنبه‌ای و الیاف مصنوعی

د) روفرشی

ب) انواع پتو

ه) پارچه رومبلی

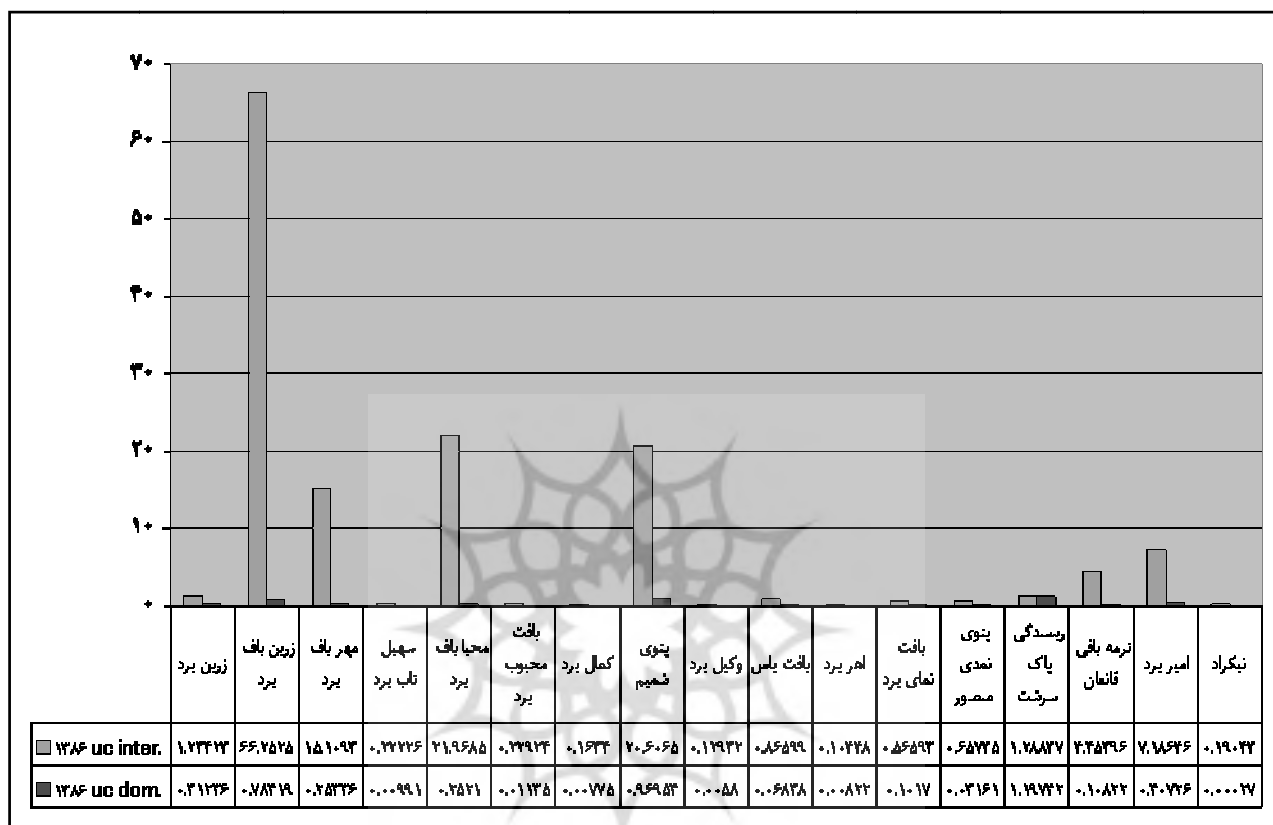
ج) نخ پتو و نخ فانتزی

قسمت اعظم اطلاعات بر اساس آمار و داده‌های مربوط به محصولات نساجی استان یزد، از طریق پرسشنامه‌ای که تمام اطلاعات مورد نیاز بر اساس فرمول 10 برای محاسبه شاخص توان رقابتی طراحی شده و با مراجعه حضوری این اطلاعات

محصولات بررسی شده در 17 کارخانه برای اندازه‌گیری توان رقابتی عبارتند از:

زرین یزد (پتو)، زرین باف یزد (الیاف مصنوعی)، مهر باف یزد (پتو)، سهیل تاب یزد (روفرفشی)، محیا باف یزد (پارچه سیستم پنبه‌ای)، محبوب یزد (پتو)، کمال یزد (پتو)، شمیم (پتو)،

وکیل یزد (پتو)، بافت یاس (روفرفشی)، آهر یزد (روفرفشی)، بافت نمای یزد (پارچه رو مبلی)، منصور (پتو)، پاک سرشت (نخ پتو)، ترمه بافی قانعان (پارچه رو مبلی)، امیر یزد (روفرفشی) و نیکزاد (روفرفشی).



نمودار 1 - توان رقابتی کارخانه‌های نساجی یزد در دو سناریوی قیمت‌های داخلی و بین‌المللی در سال 1386

بر اساس شاخص UC برای بررسی توان رقابتی بین‌المللی اگر هزینه واحد یک بنگاه که در آن محصول با قیمت‌های بین‌المللی ارزش‌گذاری شده است، بزرگ‌تر از یک باشد، نمی‌تواند در بازارهای بین‌المللی رقابت کند به این معنی که نمی‌تواند محصول خود را صادر کند و اگر این شاخص کوچکتر یا مساوی یک باشد، توان رقابتی در بازارهای بین‌المللی را دارا است. درجه توان رقابتی آن نیز به میزان کوچکتر از یک بودن این شاخص بستگی دارد. همچنین برای بررسی توان رقابت داخلی اگر UC به دست آمده بزرگتر از یک باشد، این بنگاه از توان رقابتی برخوردار نیست و اگر کوچکتر از یک یا مساوی یک باشد، از

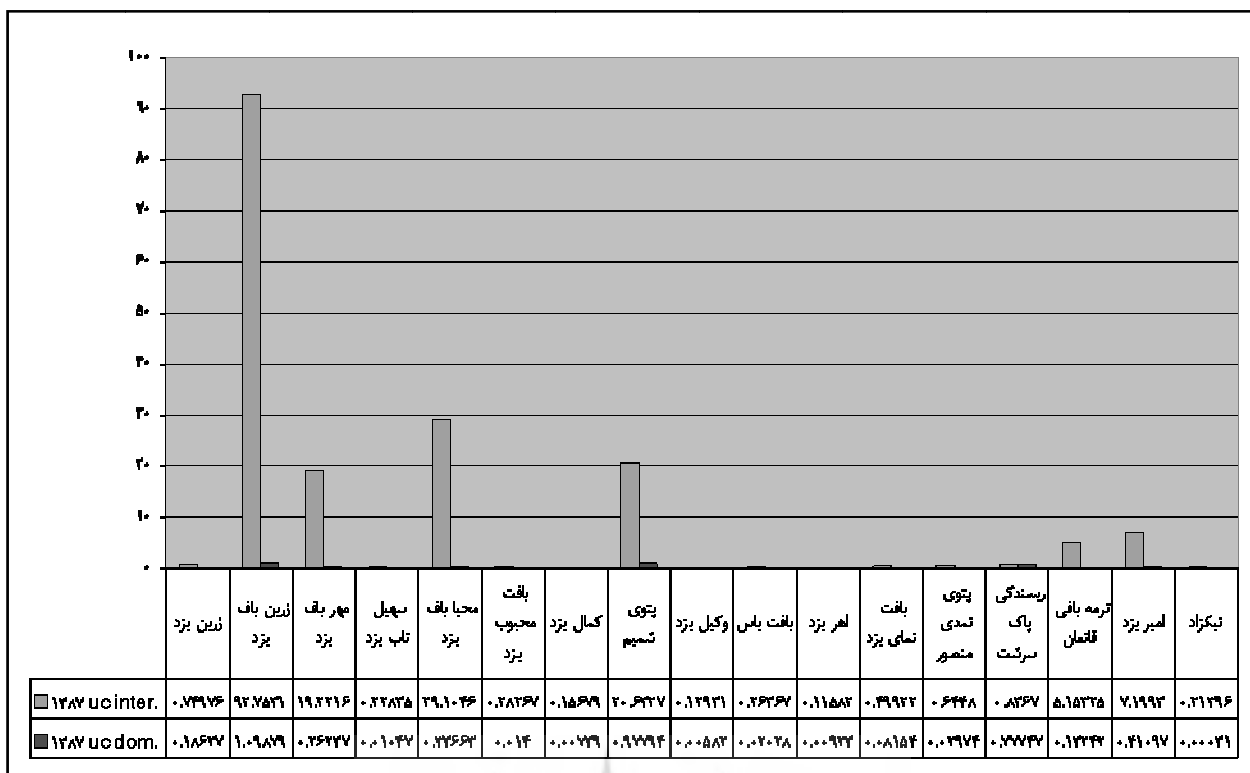
توان رقابتی برخوردار است و درجه توان رقابتی آن به میزان کوچکتر از یک بودن این شاخص بستگی دارد. در این مطالعه در سناریوی قیمت‌های جهانی تمام نهاده‌های قابل تجارت تولید و محصولات بر اساس قیمت‌های بین‌المللی در شاخص هزینه واحد در نظر گرفته شده‌اند.

در نمودار فوق UC داخلی و خارجی 17 کارخانه مورد بررسی را در سال 1386 را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار UC داخلی کارخانه زرین یزد 0/31 و UC خارجی آن 1/23 است. این اعداد نشان دهنده این موضوع هستند که این کارخانه فقط در زمینه داخلی توانایی رقابت با سایر کارخانجات را دارا می‌باشد و



در زمینه رقابت بین‌المللی فاقد این مزیت است و این کارخانه امکان صدور کالا به خارج از کشور را ندارد. UC داخلی و خارجی کارخانه زرین باف یزد در سال 1386 به ترتیب 0/78 و 66/25 است که نشان دهنده عملکرد ضعیف این کارخانه در زمینه رقابتی است. زیرا از لحاظ داخلی UC آن با اینکه زیر یک است و نشان دهنده توان رقابتی است، ولی در مقایسه با سایر کارخانه‌ها جزء ضعیف‌ترین آن‌ها در این مورد است [20]. از لحاظ خارجی فاقد هر گونه توان رقابتی است و با UC 66/25 نشان دهنده وضعیت خیلی بد این کارخانه در این مورد است. کارخانه مهر باف یزد در سال 1386 فقط در عرصه داخلی دارای توان رقابتی است. زیرا UC داخلی این کارخانه 0/25 است. این کارخانه با توجه به اینکه UC بین‌المللی 15/11 را دارد، امکان صدور کالا به سایر کشورها برای این کارخانه مهیا نمی‌باشد. کارخانه سهیل تاب یزد در سال 1386 با داشتن UC داخلی 0/01 و UC خارجی 0/22 جزء کارخانه‌های موفق در زمینه رقابت داخلی و بین‌المللی در سال 1386 است. کارخانه محیا باف یزد فقط در عرصه داخلی دارای توان رقابتی است و برای این کارخانه امکان صدور کالا به خارج از کشور وجود ندارد. UC داخلی و خارجی این کارخانه در سال 1386 به ترتیب 0/25 و 21/97 است. UC داخلی و UC بین‌المللی کارخانه محبوب یزد در سال 1386 به ترتیب 0/01 و 0/23 است که نشان دهنده توان رقابتی این کارخانه در هر دو عرصه داخلی و خارجی است. این کارخانه جزء کارخانه‌های برتر یزد در زمینه رقابتی است. کارخانه کمال یزد دارای UC داخلی 0/01 و UC خارجی 0/16 است که نشان دهنده وضعیت خوب این کارخانه در زمینه رقابت داخلی و خارجی است. UC داخلی و UC بین‌المللی کارخانه شمیم در سال 1386 به ترتیب 0/97 و 20/61 است. این کارخانه در زمینه بین‌المللی دارای عدم توان رقابتی است و با توجه به اینکه UC داخلی این کارخانه از UC سایر کارخانه‌ها بیشتر است و ضعیف‌ترین کارخانه در زمینه رقابت داخلی است. کارخانه وکیل یزد از جمله کارخانه‌هایی است که در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی دارای توان رقابتی است و امکان صدور کالای خود به خارج از کشور را دارد. این کارخانه

دارای UC داخلی و UC بین‌المللی 0/01 و 0/13 است. UC داخلی کارخانه بافت یاس 0/07 و UC خارجی آن 0/87 می‌باشد. این کارخانه هم در زمینه داخلی و هم در زمینه بین‌المللی دارای مزیت توان رقابتی است. کارخانه آهر یزد یکی از بهترین کارخانه‌ها در زمینه رقابت بین‌المللی است چون UC خارجی این کارخانه از همه کمتر و مقدار 0/1 را دارد. شایان ذکر است UC داخلی کارخانه آهر یزد 0/01 است. کارخانه بافت نمای یزد دارای UC داخلی 0/1 و UC خارجی 0/57 است. این کارخانه هم در زمینه داخلی و هم در زمینه بین‌المللی دارای توان رقابتی است و امکان صدور کالا به سایر کشورها را دارد. کارخانه منصور دارای UC داخلی 0/03 و UC خارجی 0/66 است. این کارخانه هم در زمینه داخلی و هم در زمینه بین‌المللی دارای توان رقابتی است. کارخانه پاک سرشت با توجه به اینکه هر دو UC داخلی و بین‌المللی آن بالاتر از یک است. بنابراین هم از مزیت رقابتی داخلی و هم از مزیت رقابتی بین‌المللی محروم است. این کارخانه با توجه به اینکه UC داخلی آن 1/2 و UC خارجی آن 1/29 است، عملکردی منفی در زمینه تولید را در سال 1386 از خود نشان داده است. کارخانه ترمه بافی قانعان دارای UC داخلی 0/11 می‌باشد که نشان دهنده توان رقابتی در عرصه داخلی است. ولی با توجه به اینکه UC خارجی آن بالاتر از یک و عدد 4/45 می‌باشد، فاقد هر گونه توانایی برای صدور کالا به خارج از کشور است. UC داخلی و بین‌المللی کارخانه امیر یزد در سال 1386 به ترتیب 0/41 و 7/19 است. این کارخانه فقط در عرصه داخلی توانایی رقابت را دارد و امکان صدور کالا برای این کارخانه موجود نمی‌باشد. کارخانه نیکزاد در هر دو زمینه داخلی و بین‌المللی دارای توان رقابتی است، UC داخلی آن تقریباً نزدیک به صفر است. همچنین UC بین‌المللی این کارخانه که جزء کارخانه‌های موفق در زمینه رقابتی است 0/19 است. در سال 1386 هشت کارخانه توانایی رقابت در عرصه بین‌المللی را ندارند ولی همگی توان رقابت داخلی را دارا می‌باشند.



## نمودار 2 - توان رقابتی کارخانه‌های نساجی یزد در دو سناریوی قیمت‌های داخلی و بین‌المللی در سال 1387

داخلی این کارخانه 0/26 و UC بین‌المللی این کارخانه 19/22 می‌باشد که نسبت به سال قبل افزایش یافته است. کارخانه سهیل تاب یزد در سال 1387 دارای UC داخلی 0/01 و UC بین‌المللی 0/23 است. این کارخانه در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی دارای توان رقابتی است و جزء برترین کارخانه‌های یزد در این زمینه می‌باشد. UC داخلی و بین‌المللی کارخانه محیا باف یزد در سال 1387 به ترتیب 0/34 و 29/1 است. این اعداد نشان‌دهنده این موضوع هستند که این کارخانه فقط در زمینه داخلی توانایی رقابت را دارد. کارخانه محبوب یزد در سال 1387 در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی دارای توانایی رقابت است. این کارخانه دارای UC داخلی 0/01 و UC بین‌المللی 0/28 می‌باشد. UC داخلی و بین‌المللی کارخانه کمال یزد در سال 1387 به ترتیب 0/01 و 0/16 است. این کارخانه در هر دو عرصه داخلی و خارجی دارای توانایی رقابت است. همچنین باید یادآور شد که مقدار UC داخلی و UC بین‌المللی کارخانه کمال یزد نسبت به سال 1386 تغییری پیدا نکرده است. کارخانه شمیم

نمودار فوق نشان‌دهنده UC داخلی و بین‌المللی 17 کارخانه مورد مطالعه در سال 1387 است. کارخانه زرین یزد در سال 1387 دارای UC داخلی 0/19 و UC بین‌المللی 0/75 است. این کارخانه در هر دو زمینه داخلی و بین‌المللی دارای توان رقابتی است. با توجه به اینکه UC بین‌المللی این کارخانه در سال 1386 بالاتر از یک بوده و هم اکنون این مقدار به عدد 0/75 کاهش یافته نشان‌دهنده مدیریت صحیح این کارخانه در زمینه تولید کالا است. کارخانه زرین باف یزد ضعیف‌ترین کارخانه در زمینه رقابتی زیرا هر دو UC داخلی و بین‌المللی در سال 1387 بالای یک بوده که نشان‌دهنده عدم توان رقابتی برای این کارخانه است. همچنین باید یادآور شد که UC داخلی این کارخانه در سال 1386 زیر یک بوده و هم اکنون به بالای یک افزایش یافته است. UC داخلی و بین‌المللی کارخانه زرین باف یزد در سال 1387 به ترتیب 1/1 و 92/75 است. کارخانه مهر باف یزد فقط در زمینه داخلی دارای توان رقابتی است و امکان صدور کالا برای این کارخانه به خاطر وجود UC بالای یک وجود ندارد. UC

است نشان می‌دهد که ترمه بافی قانعان از مزیت توان رقابتی و صدور کالا به سایر کشورها برخوردار نیست. در سال 1387 کارخانه امیر یزد فقط در زمینه داخلی دارای توان رقابتی است زیرا UC داخلی این کارخانه 0/41 و UC بین‌المللی کارخانه امیر یزد 7/2 است. کارخانه نیکزاد بهترین کارخانه در بین کارخانه‌های دیگر در زمینه رقابت داخلی است چون مقدار UC داخلی این کارخانه نزدیک به صفر می‌باشد. همچنین UC بین‌المللی کارخانه امیر یزد 0/21 است که نشان‌دهنده توان رقابتی بین‌المللی این کارخانه است. در مجموع شش کارخانه فاقد توان رقابت بین‌المللی و یک کارخانه فاقد توان رقابت داخلی در سال 1387 هستند. برای مقایسه توان رقابتی داخلی و توان رقابتی بین‌المللی صنایع نساجی از آزمون t برای مقایسه میانگین دو گروه وابسته استفاده شده است.

## جدول 2 - ضریب همبستگی بین توان رقابتی بین‌المللی و توان رقابتی داخلی

		INTR.UC	DOMES.UC
INTR.UC	Pearson Correlat Sig. (2-tailed)	1	.616**
	N	34	34
DOMES.UC	Pearson Correlat Sig. (2-tailed)	.616**	1
	N	34	34

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

جدول (2) ضریب همبستگی بین توان رقابتی داخلی و توان رقابتی بین‌المللی را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌کنید ضریب همبستگی 0/616 می‌باشد. و در سطح اطمینان 99 درصد معنی‌دار می‌باشد. برای اینکه بتوان میانگین دو گروه وابسته را با یکدیگر مقایسه کرد از مقایسه تطبیقی استفاده می‌شود. برای آزمون این فرضیه‌ها و تعیین صحت و سقم آن‌ها می‌توان از آزمون t زوج [21] استفاده کرد.

بعد از کارخانه زرین باف یزد ضعیف‌ترین کارخانه در زمینه توان رقابتی است، با این تفاوت که UC داخلی این کارخانه زیر یک می‌باشد. UC داخلی و بین‌المللی کارخانه شمیم به ترتیب 0/98 و 20/63 است. با توجه به اینکه مقدار UC بین‌المللی این کارخانه بالاتر از یک است، نشان دهنده عدم توان رقابتی بین‌المللی برای این کارخانه است. کارخانه وکیل یزد در سال 1387 همانند سال 1386 دارای UC داخلی 0/01 و UC بین‌المللی 0/13 است. این موضوع به ما نشان می‌دهد که این کارخانه در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی دارای توان رقابتی است. UC داخلی و بین‌المللی کارخانه بافت یاس در سال 1387 نسبت به سال 1386 کاهش چشمگیری داشته به گونه‌ای که UC داخلی آن از 0/07 به 0/02 و UC بین‌المللی آن از 0/87 به 0/26 کاهش داشته که عملکرد مثبت این کارخانه را در زمینه رقابتی نشان می‌دهد. این کارخانه در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی دارای توان رقابتی است. UC داخلی و بین‌المللی کارخانه آهر یزد در سال 1387 به ترتیب 0/01 و 0/12 می‌باشد. این کارخانه ضمن اینکه در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی دارای توان رقابتی است از بیشترین قدرت رقابتی بین‌المللی در بین سایر کارخانه‌های دیگر برخوردار است. کارخانه بافت نمای یزد در سال 1387 دارای UC داخلی 0/08 و UC بین‌المللی 0/5 است. با توجه به اینکه هر دو UC این کارخانه کمتر از یک است، دارای توان رقابتی در هر دو عرصه داخلی و خارجی می‌باشد. کارخانه منصور در سال 1387 دارای UC داخلی 0/03 و UC بین‌المللی 0/64 است. با توجه به اینکه این اعداد کمتر از یک می‌باشند نشان‌دهنده توان رقابتی در زمینه داخلی و بین‌المللی هستند. کارخانه پاک سرشت دارای UC داخلی 0/78 و UC بین‌المللی 0.84 است. این کارخانه در سال 1386 هر دو UC آن بالاتر از یک است و هم اکنون این مقدار به زیر یک رسید. این موضوع نشان می‌دهد که وضعیت تولیدی این کارخانه در سال 1387 بهبود یافته و وارد عرصه رقابتی داخلی و بین‌المللی شده است. کارخانه ترمه بافی قانعان در سال 1387 دارای UC داخلی 0/13 است که نشان‌دهنده توان رقابتی داخلی این کارخانه می‌باشد. با توجه به اینکه UC بین‌المللی این کارخانه بیشتر از یک و 5/15

### جدول 3 - آزمون t زوج میانگین توان رقابتی

#### بین‌المللی و توان رقابتی داخلی

Pair1	Men	Std.Deviation	Std.Error Mean
INTR.UC - DOMES.UC	9.1330	19.57226	3.35662
95% confidence interval of the Difference		T	df
Lower	Upper		Sig. (2.tailed)
2.3039	15.9621	2.721	33
			.010

را از دست می‌دهند. با توجه به اینکه در سناریوی قیمت‌های بین‌المللی تقریباً 50 درصد کارخانه‌های مطالعه شده دارای توان رقابتی پایینی هستند، به مسئولین وزارت بازرگانی پیشنهاد می‌شود، در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی چانه‌زنی بیشتری در این سازمان برای حمایت صنعت نساجی انجام دهند.

چون توان رقابتی بین‌المللی صنایع نساجی استان یزد کمتر از توان رقابتی داخلی آن است به مدیران این صنعت پیشنهاد می‌شود زمینه افزایش توان رقابتی این صنعت را فراهم نمایند تا در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی آسیب کمتری ببینند.

به دلیل اینکه بر اساس یافته‌های تحقیق کارخانه‌هایی که بر اساس موجودی سرمایه خود از تمام ظرفیت‌های خود استفاده نکرده‌اند، دارای توان رقابتی پایینی هستند، به مدیران پیشنهاد می‌شود با استفاده از این ظرفیت توان رقابتی خود را افزایش دهند.

بر اساس یافته‌های تحقیق هنگامی قیمت‌های انرژی بر اساس قیمت‌های بین‌المللی تعدیل می‌شود بیشتر کارخانه‌هایی که فناوری قدیمی‌تر دارند توان رقابتی خود را از دست می‌دهند؛ به سیاست‌گذاران بخش صنعت پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی هدفمند کردن یارانه‌های انرژی توجه ویژه به این بخش مبذول دارند.

چون در سناریوی قیمت‌های داخلی 5 درصد کارخانه‌های مطالعه شده استان یزد دارای عدم توان رقابتی هستند، در دوره عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی حمایت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بیشتری از صنعت نساجی صورت دهند.

#### پی‌نوشت

1. Siggel and Cockburn 1995.
2. Hatsopoulos, Krugman and Summers 1990.
3. Karikar 2001.
4. Eastman – Stykot.
5. Cho, Seong and Shin 2008.
6. Siggel 2007.
7. Campi and Marshal 1998.

چون مقدار p بیش از 0/05 می‌باشد (0/01) در سطح اطمینان 95 درصد فرضیه H0 رد می‌شود. یعنی میانگین توان رقابتی بین‌المللی و توان رقابتی داخلی در سطح اطمینان 95 درصد با یکدیگر متفاوت می‌باشند.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر اساس محاسبات انجام شده و نتایج جداول و نمودارهای مربوط از 17 کارخانه بررسی شده در سناریوی قیمت بین‌المللی، سال 1386، هشت کارخانه دارای عدم توان رقابتی است. یعنی حدود 47 درصد کارخانه‌ها دارای عدم توان رقابتی هستند. و در سال 1387 از 17 کارخانه شش کارخانه دارای عدم توان رقابتی است. یعنی حدود 35 درصد کارخانه‌ها توان رقابتی ندارند. در حالی در سال 1386 در سناریوی قیمت‌های داخلی 5 درصد کارخانه‌ها دارای عدم توان رقابتی هستند این رقم در سال 1387 در همین سناریو باز به 5 درصد می‌رسد. بنابراین توان رقابتی بین‌المللی صنایع نساجی استان یزد کمتر از توان رقابتی داخلی آن است.

بر اساس یافته‌های تحقیق کارخانه‌هایی که بر اساس موجودی سرمایه خود از تمام ظرفیت‌های خود استفاده نکرده‌اند، دارای توان رقابتی پایینی هستند. همچنین هنگامی که قیمت‌های انرژی بر اساس قیمت‌های بین‌المللی تعدیل می‌شود، بیشتر کارخانه‌هایی که فناوری قدیمی‌تر دارند، توان رقابتی خود

فرصت از دست رفته) پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان، 1369.

صادقی، زین العابدین، اثرات الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر صنایع مس ایران با رهیافت DRC (مطالعه موردی مجتمع مس سرچشمه کرمان)، پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان، 1382.

صفری حسین، اصغری زاده عزت الله، «اندازه گیری توان رقابتی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران با استفاده از شبکه های بیزین»، نشریه مدیریت صنعتی، دوره 1، شماره 1، 1386.

فروتن، محمدرضا، بررسی ساختار حمایتی در برخی صنایع ایران. پایان نامه چاپ نشده دکتری اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، 1379.

کارزونی علیرضا، مجید فشاری، «تأثیر شاخص های رقابتی قیمتی و غیر قیمتی بر صادرات زیر بخش های صنعتی ایران (82-1377)»، فصلنامه بررسی های اقتصادی، دوره 5، شماره 1، 1387.

کلباسی حسن، گریوانی ولی، «محاسبه توان رقابت هزینه های واحدهای تولیدی فولاد با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO)»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره 17، 1382.

گریوانی، ولی، ارزیابی توان رقابت هزینه های صنعت فولاد کشور در برابر الحاق ایران به WTO مورد مطالعه: مجتمع فولاد مبارکه، پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد برنامه ریزی و سیستم های اقتصادی، دانشگاه صنعتی اصفهان، 1381.

مظهری محمد، فاطمه رحمانی، «تعیین مزیت های رقابتی بخش کشاورزی در استان خراسان شمالی»، مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد 23، شماره 1، 1388.

نجمزاده رضا، سولماز عبدالهی حقی، «بررسی تأثیر انحرافات قیمتی بر توان رقابتی مجتمع پتروشیمی تبریز»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 80، 1386.

نجمزاده، رضا، سولماز عبدالهی حقی و علی رضا ناصری، «سنجش توان رقابتی محصولات مجتمع پتروشیمی تبریز در

8. Domestic Resources Cost(DRC).
9. Bruno 1965.
10. Balassa and Schydrowsky 1968.
11. Krueger 1972.
12. Srinivasan and Bhagwati.
13. full unit cost.
14. Siggel and Cockburn 1995.
15. Ex ante.
16. Unit Cost.
17. Total Cost.
18. Value of Output.
19. هزینه های واحد برای یک محصول به صورت واقعی باید در بین محصولات مختلف قابل مقایسه باشد. این اختلاف و تفاوت ناشی از محصول مختلط و کیفیت محصول است. معیار نسبت هزینه واحد (UC) برای حل این مشکل فرض می کند که چنین تفاوت های کیفی در قیمت کالاها منعکس شده است.
20. یکی از عوامل صورت کسر توان رقابتی سرمایه های شرکت می باشد، حال اگر در یک سال شرکتی کمتر از ظرفیت اسمی تولید داشته باشد. باعث می شود با یک صورت کسر معین مخرج کسر کاهش یابد و این عامل باعث افزایش بیش از اندازه کسر شود.
21. Paired Student's T.test

## منابع

حسینی، سید شمس الدین، مریم ملک محمدی چهل خانه، «سنجش مزیت نسبی و رقابتی صنعت چرم ایران در بازارهای جهانی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 44، 1386.

راسخی سعید، المیرا ذبیحی لهرمی، «رقابت پذیری صنعت فلزات اساسی ایران»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال نهم، شماره دوم، 1388.

سیف الله، مراد، روش شناسی و کاربردهای تحلیل هزینه منابع داخلی (DRC) ارزیابی یک رهیافت جدید. پایان نامه چاپ نشده دکتری اقتصاد، دانشگاه اصفهان، 1379.

شیرانی، ساعد، برآورد قیمت های سایه ای (بر مبنای هزینه های

- Siggel, E., "International Competitiveness and Comparative Advantage: A Survey and a Proposal for Measurement." CESifo Concordia University, Montreal Quebec, Canada, 2007.
- Turner, P., and J. Van't dack, "Measuring International Price and Cost Competitiveness", Economic Paper 39. Bank for International Settlements, Basle, 1993.
- Yong, J., Seong L. Shin, K., "The Relationships among Manufacturing Innovation, Competitiveness, and Business Performance in the Manufacturing Industries of Korea." *Internation Journal Adventure. Manuf. Technol.*, Vol. 38, pp.840–850, 2008.
- راستای الحاق به WTO، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره 43، 1386.
- Karikari, J. "International Competitiveness and Industry Pricing in Canadian Manufacturing". *Canadian Journal of Economics*, Vol.2. pp.114-123, 2001.
- Ruiz Estrada, Mario Arturo & Su Fei Yap, "The Openness Growth Monitoring Model (OGM-Model)", *Journal of Policy Modeling*, (28), pp.235–246, 2006.
- Siggel, E., "Policy Reforms, Competitiveness and Prospects of Kenya's Manufacturing Industries: 1984-1997 and Comparisons with Uganda." *African Economic Policy, Discussion Paper*, No.25, 2000.

